

« بررسی شکل گیری جریان غلات در تشیع » « و موضع امامان شیعه (ع) »

علی رضا زاهدی مقدم *

چکیده:

مذهب تشیع در گذر زمان مراحل از تحول را گذرانده است. حضور غلات در تاریخ تشیع اولیه یکی از پدیده های پیچیده و قابل توجه این مذهب است که به آن جنبه رازآمیز داده است. با وجود آنکه ظاهراً امامان شیعه در برخی از متون به لعن و نفرین بسیاری از رهبران غلات و نیز جریان هایی که آنها به راه انداخته بودند پرداخته اند؛ اما گویا این جریان ها تأثیرات عمیقی بر فرقه های شیعی چه در نظر و چه در عمل گذاشته بودند. آنچه در این نوشتار می آید بررسی کوتاهی است در مورد محیط جغرافیایی و خاستگاه این فرقه ها؛ نوع برخورد امامان شیعه با آنها و نیز اثراتی که غالیان بر تشیع امامی گذاشتند.

واژگان کلیدی:

غالی، غلات، امامان شیعه، عبدالله بن سبا، مختار، موالی، خطابی و ...

طرح مساله :

غلو در لغت به معنی افراط و زیاده روی است (ابوالقاسم بن محمد، ص ۳۶۵؛ صفری فروشانی، ص ۵۲) و غالّی اسم فاعل آن و به معنی کسی است که در امری افراط و زیاده روی می کند.

اصطلاح غالی و تعریف آن :

در اصطلاح فرق، کسی غالی نامیده می شود که به غلو در مورد پیامبر اسلام (ص) یا اهل بیت و امامان شیعه سخن بگوید یا چیزی را به آنها نسبت دهد که آنها ظاهراً به خود نسبت نداده اند. البته معنای غلو در اکثر موارد (نه در همه موارد) به معنای نسبت دادن الوهیت و نیز آنچه که بر اساس فهم عامه مغایر با اسلام است به امامان شیعه می باشد. (زین عاملی، ص ۲۳۱)

اعتقادات کلی غالیان :

حلول خدا در جسم امامان (ع)، اعتقاد به تفسیر باطنی قرآن و تناسخ از جمله اعتقادات کلی غلات است (مشکور، ص ۱۵۱ و نیز ص ۷-۱۵۶) که البته در نزد گروههای مختلف غلات متفاوت است.

تاریخ غلات :

در زمان حیات پیامبر اسلام (ص) و نیز سه خلیفه اول گزارشی از حضور غلات در جامعه اسلامی دیده نمی شود. تنها گزارش های بسیار متاخر که از محمد بن جریر طبری آغاز می شوند (طبری، ج ۲، ص ۶۴۷) به پیدایش فرقه سبائیه توسط عبدالله بن سبا در زمان خلافت علی بن ابیطالب (ع) گواهی می دهند. طبری او را از مردم سرزمین یمن می داند که کانون اصلی اعتراض بر خلیفه سوم بود و عمار یاسر نیز به او پیوست (همان، ج ۳، ص ۸۳). در مراحل بعدی او را عامل اصلی وقوع نبرد جمل می داند. (همان، ج ۲، ص ۶۴۷) اعتقاد به حلول روح خدایی در علی (ع) و نیز رجعت امام علی (ع)، که اعراب را مطیع و مقهور خود می کند، به عبدالله بن سبا و پیروانش «سبائیه» نسبت می دهند. در گزارش دیگری او را از مردم مدائن می شناسند. اما آنچه که امروزه اکثر محققان از قبیل «لوهاوزن»، «برنارد لویس»، «فرید لندر» و نیز «علامه عسگری» به آن باور دارند، ساختگی بودن این شخصیت است. (صفری فوشانی، ص ۷۹ و ۲۷)

به هر حال آنچه در مورد افسانه این فرد قابل تأمل است - چه او را یهودی یمنی بنامند چه از اهل مدائن - این است که این افسانه بیشتر ریشه های غیر اسلامی تفکرات غالیانه را مطرح می کند و در این مورد نسبت دادن آن به اعتقادات ایرانی در دوره باستان بیهوده به نظر نمی آید. اگر چه منطقه جنوب عراق و شام را منطقه ای سامی نشین می شناسند، اما حضور و استیلای ایرانیان در این منطقه در طی حدود ۱۱۰۰ سال و در قالب سلسله های هخامنشی، اشکانی و ساسانی، به نظر بی تاثیر نمی آید. انوشیروان ساسانی یمن را توسط گروهی از محکومین به مرگ (ابن البلخی، ص ۹۵۰) که از فرزندان ساسانیان و آزاده نژادان بودند تسخیر کرد (زرین کوب، ص ۸۴) به راحتی می توان تصور کرد که این آزاده نژادان به دلیل مخالفت با شاهنشاه ساسانی دچار عقوبت مرگ ارزانی شده بودند که محتمل ترین نظر در این مورد مزدکی بودن آنها می تواند باشد.

سالها بعد در سال ششم یا هفتم هجری ظاهراً مرزبان ایرانی یمن از حضور پیامبر اسلامی (ص) در روند داستان ارسال سفیر به نزد پادشاهان همجوار و دعوت آنها به دین اسلام، با خبر می شود. قرینه های تاریخی به هیچ وجه این داستان را تأیید نمی کنند. زیرا سال ارسال سفیران ۶ یا ۷ هجری برابر با ۶۲۸ میلادی یا ۶۲۹ میلادی است و در این مدت کل شام و فلسطین و مصر در تصرف سپاهیان ایران بود، پس احتمال حضور هر اقلیوس در شام و مکواکیس است در مصر غیر ممکن است. (کریستین، ص ۳۱۹)

با این نمونه های حضور ایرانیان در شبه جزیره می توان تصور کرد که اعراب با اعتقادات ایرانی ها از جمله مفهوم فره و تأیید الهی شاهنشاه، حداقل آشنایی پیدا کرده بودند، چرا که غلو بعدها ابتدا در

میان اعرابی که با ایرانیان تماس داشتند رواج یافت.

دوران حسن بن علی (ع) و حسین بن علی (ع):

در دوران این دو امام (ع) اثری از فعالیت‌های غالبانه دیده نمی‌شود. تنها در این زمان است که اکثریت ایرانیان بین‌النهرین جنوبی مسلمان شده و در جامعه‌های عربی بصره و کوفه به اسم موالی ادغام می‌شوند.

اندکی پس از شهادت حسین بن علی (ع) در کربلا (۱۶ه.ق) در سال ۶۶ هجری جماعتی که ادعای خون‌خواهی حسین بن علی (ع) را داشتند، به رهبری مختار ثقفی، کنترل کوفه و در نتیجه عراق را در دست می‌گیرند. در کنار جنگجویان عربی این بار و برای اولین بار موالی غیر عرب که اسلام آورده بودند نیز در سپاه مختار به امید بدست آوردن مرتبه اجتماعی برابر و نیز سهم بردن از غنائم و خراج دیده می‌شد (هالم، ص ۴۷). گفته می‌شود که آغاز غلو در تاریخ توسط کیسانیه بود (همان، ص ۲۷۹). با آنکه اندیشه ظهور مهدی در منابع اسلامی و بویژه شیعی مستند به روایات متعددی از پیامبر اسلام است در عین حال برخی قیام کیسانیه (پیروان مختار) را اولین ظهور عینی این اندیشه در جریان‌های تشیع می‌دانند (همان، ص ۷-۴۶). هر چند که محمد بن حنیفه فرزند علی بن ابیطالب (ع)، خود از آنها تبری جست (همان، ص ۸۴) اما بعد از فوت او کیسانیه قائل به غیبت و مخفی شدن او در کوهی شدند (همان، ص ۵۰). که نظیر این داستان (مخفی شدن خدا در غاری در کوه و بازگشت پیروزمندانه او) در اساطیر آریاییان از قبیل اساطیر هندی، ایرانی، ارمنی و حتی ژرمنی به فراوانی دیده می‌شود. در این زمان حضور بخش عظیمی از موالی غیر عرب در میان نمایندگان شیعی ساکن کوفه در قرن دوم هجری قابل توجه است. در گروه‌های آنان نظریات گنوستیک درباره نجات جهان و تناسخ روح منتشر شده بود و کیسانیه دارای حامیانی در کوفه و تیسفون بودند. تنی چند از غلات مشهور از تیسفون بودند (همان، ص ۱۵) ظاهراً غلو از تیسفون سرچشمه گرفت و بعداً در نقاطی که شیعیان زندگی می‌کردند نیز همچون بصره و کوفه و قم دیده شد.

آنچه مهم است این که رؤسا و سخنگویان فرقه‌های غلات در مدائن و کوفه از موالی، صرافان، صنعتگران و فروشندگان بودند که اصل و نسب غیر عربی داشتند (همان، ص ۳۰ و ۲۷۹؛ Halm و ۵۵۵). و اگر عربی بودند نسبت آنها به قبایل یعنی می‌رسید؛ زیرا ساکنان عرب کوفه یمنی بودند.

کیسانیه معتقد معتقد شدند که امامت بعد از محمد بن حنیفه به فرزندش ابوهاشم منتقل شده است. از این پس زیر شاخه‌ای از کیسانیه که تحت نام او قرار گرفت در تاریخ به هاشمیه معروف شد (صفری فروشانی، ص ۹۸) این فرقه بعدها در تاریخ چند گروه مهم از غلات، به عنوان بستر رشد آنها مطرح شد.

افراد این گروه معتقد به زنده بودن ابوهاشم عبدالله به عنوان مهدی بودند که او می‌توانست مردگان را زنده کند.

از آغاز فعالیت غلات تا به اینجا صرف نظر از داستان برخورد علی بن ابیطالب (ع) با عبدالله بن سبا که به دلیل حکم کردن امام علی (ع) به سوزاندن او و پیروانش افسانه به نظر می‌رسد زیرا که حکم سوزاندن چنین افرادی در احکام شرعی اسلامی نیامده است (همان، ص ۳۸) و علاوه بر آن اساساً این شخصیت وجود تاریخی ندارد (همان، ص ۸۰) گزارشی تاریخی از برخورد جدی چهار امام اول شیعیان (ع) و نیز حکومت غلات دیده نشده که بیانگر این نکته است که این گروه‌ها هنوز شکل نگرفته بودند یا در مراحل ابتدایی شکل‌گیری خود بودند.

افول بنی امیه و شکل گیری غلات :

سرانجام با مرگ ابوهاشم در ۹۷ ه.ق راه برای ظهور شاخه های غلات باز می شود. این زمان مصادف است با ضعف حکومت بنی امیه. در تاریخ نگاری شیعه از حمزه بن عماره بربری (یزیدی) نام برده شده که هم دوره محمد بن علی باقر (ع) بود و ظاهراً محمد بن علی (ع) حمزه را لعن و تکفیر کرده است. به حمزه نسبت داده اند که گفته بود شناخت امام برای افراد کافی است و بعد از آن در انجام هر کاری حتی ازدواج با دختر خود نیز آزاد است. (همان، ص ۱-۹)

در این دوره (اواخر حکومت بنی امیه تا اوایل دوران بنی عباس) شاهد ظهور سه رهبر غالی در تاریخ هستیم که در پیشبرد این جریان نقش مهمی داشتند. این افراد عبارت بودند از «بیان بن سمعان»، «مغیره بن سعید عجلی (بجلی)» و «ابو منصور عجلی».

بیان در ابتدا معتقد به بازگشت ابوهاشم به عنوان مهدی بود. بعداً بر اساس یک روایت، نامه ای به محمد بن علی باقر (ع) نوشت و از او خواست که او را به پیغمبری بپذیرد. بر اساس یک روایت دیگر محمد باقر (ع) او را به عنوان سفیر مخصوص خود منصوب کرده بود و خبرهای دیگری حاکی از آن بود که او زمینه قیام برای جعفر صادق (ع) یا محمد نفس زکیه را فراهم می کرده است. ظاهراً او معتقد بود که دانش الهی به نوعی به او رسیده است. سرانجام در قیامی که رخ داد شکست خورد و توسط حاکم اموی کوفه (خالد قسری) اعدام شد. (tucker, pp243-253)

مغیره نیز خود را از سفیران و نائبان امام محمد باقر (ع) می خواند. به او نسبت خدایی داد و خود را پیامبر و امام از طرف او معرفی کرد. ظاهراً او ادعا می کرد که اسم اعظم را می داند و قائل به تجسیم خدا بود. او نیز به همراه بیان بن سمعان اعدام شد. (Ibid, pp33-47)

این دو بنیانگذار شاخه های مغیره و بیانیه بودند. ظاهراً مغیره اولین کسی بود که مقام علی بن ابیطالب (ع) را از دیگر پیامبران بالا برد و او را هم ردیف محمد (ص) قرار داد. (شبی، ص ۲۴) ابو منصور عجلی نیز معتقد بود که به معراج رفته و از طرف خداوند به پیامبری مبعوث شده است (صفری فروشانی، ص ۱۰۲) او نیز به همراه دو دوست خود بیان و مغیره اعدام شد. پیروان اینها به ترتیب بیانیه، مغیره و منصوریه نام داشتند.

در زمان امام محمد باقر (ع) و فرزندش امام جعفر صادق (ع) به دلیل ضعف حکومت مرکزی بسیاری از فرقه های غلات ظهور کردند.

عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابیطالب را نیز رئیس غالیان جناحیه می دانند که در کوفه علیه امویان قیام کرد. سرانجام او در زندان ابومسلم اعدام شد. (tucker, pp36-59)

غلات در زمان صادقین (ع) و پس از آن :

به جز گروههای فوق گروههای دیگری نیز در زمان این دو امام (ع) سر بر آوردند که عبارتند از کریه، حارثیه، صائیده، حریبه، حسینه و محمدیه. (صفری فروشانی، ص ۱۰۳-۱۰۰-۹۰) تکامل اندیشه های غلات با ظهور «محمد بن مقلص اسدی کوفی اجدع زراد» معروف به ابوالخطاب وارد مرحله تازه ای شد.

او نیز در زمان امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) زندگی می کرد. از اعتقادات او این بود که امام جعفر صادق (ع) دارای صورتی اصلی و نورانی است که در عالم دیگری است و آن خداست او مدعی بود که از طرف امام جعفر صادق (ع) قیم و وصی است. وی نیز توسط فرماندار عباسی کوفه به همراه یارانش اعدام شد. (همان، ص ۷-۱۰۴)

از گروه او گروههای بزیه (پیروان بزیع بن موسی)، عمیره (پیروان عمر بن بیان عجلی) و معمریه (پیروان معمر بن خیشم) به وجود آمدند.

سری نیز از سران غلات در زمان امام جعفر صادق (ع) بود که پیروانش «سریه» نام دارند. گروه بشاریه نیز منسوب به بشار شعیری هستند که در زمان امام جعفر صادق (ع) و امام موسی کاظم (ع) می زیست. از عقاید این گروه اعتقاد به پروردگاری و خالق بودن امام علی (ع) و بنده علی بودن محمد (ص) و نیز خدایی امام جعفر صادق (ع) است. آنها قائل به تناسخ هم بودند. دیگر غلات و جامعه های غالبان از زمان موسی کاظم (ع) به بعد عبارتند از:

- ۱- بشیریه منسوب به محمد بن بشیر از اصحاب امام موسی کاظم (ع) که معتقد بودند امامان همه یکی هستند و فقط از بدنی به بدن دیگر منتقل می شوند.
- ۲- یونس بن ظبیان در زمان علی بن موسی (ع).
- ۳- حسین بن علی خوانیمی که از زمان علی بن موسی (ع) تا حسن بن علی عسگری (ع) زنده بود.

۴- محمد بن فرات در زمان امام حسن عسگری (ع).

۵- هاشم بن ابی هاشم.

۶- جعفر واقد.

۷- ابوالسمه‌وری

۸- ابن ابی الرزقاء.

چهار نفر فوق در زمان امام محمد بن علی جواد (ع) بودند.

۹- فارس بن حاتم قزوینی در زمان علی بن محمد (ع).

۱۰- حسن بن محمد معروف به ابن بابای قمی.

۱۱- علی بن حسکه.

۱۲- قاسم بن یقظین.

همه اینها در زمان امام حسن عسگری (ع) بودند.

۱۳- موسی السواق.

۱۴- محمد بن موسی الشریعی.

این دو از شاگردان علی بن حسکه بودند.

بجز اینها محمد بن نصیر فهری نمیری بود که بنیانگذار فرقه نمیری و بعدها نصیرییه بود. او در زمان سه امام شیعه محمد تقی (ع)، علی النقی (ع)، و حسن عسگری (ع) می زیست. (همان، ص ۷-۱۲۲ و ۱۲-۱۰۷)

تمامی نام های بالا شامل افرادی است که در منابع حدیثی مشمول لعن امامان شیعه شده اند. بجز این نام ها حدود ۱۲۰ نفر دیگر نیز متهم به غلو هستند که از جمله آنها مفضل بن عمر، محمد بن سنان، بشار، هشام بن حکم، جابر بن حیان و جابر بن یزید جعفی هستند.

به نظر می رسد که در آغاز، تشیع و خصوصاً شاخه دوازده امامی آن اصول منظم و مدونی نداشته است چرا که در همین جریان امامیه، شاخه های فراوانی از افراد با اصول متفاوت و حتی متضاد قرار می گرفته است. آنچه که مشخص است حضور دو جریان مفوضه و مقصره در تشیع آغازین و در دوران زندگی امامان می باشد که دلیلی است بر تایید ادعای بالا.

علاوه بر این دو جریان طیف های دیگری نیز در جریان شیعه امامیه حضور داشته اند.

جریان «مفوضه» شامل افرادی می شد که به امامان علم و قدرتی فوق بشری اما نه خدایی نسبت می دادند. (مدرسی طباطبایی، ص ۲-۱۳) و غالباً شامل موالی و ایرانیان بود.

جریان «مقصره» برخلاف جریان فوق امامان را انسان هایی عادی می دانست و حتی عصمت نیز

برای آنان قائل نبود. این جریان عمدتاً در میان اعراب و ساکنان قم طرفدار داشت.

آنچه که مشخص است در کتاب های کلینی، صفار قمی و حتی ابن بابویه سلسله بسیاری از حدیث هایی که آنها در کتاب هایشان نقل کرده اند و عمدتاً جنبه های باطنی تعالیم امامان شیعه را در برمی گیرد، از طریق افرادی که نامشان جزء مفوضه است و یا در لیست متهمان به غلو هستند به امامان می رسد.

غلات در دوران غیبت:

آنچه که مشخص است بعدها وقتی که جریان شیعه در دوران غیبت صغری با اقداماتی که خاندان نوبختی و در رأس آنها حسین بن روح بر علیه دیگر و کلا و سفرای امام غایب و تحت حمایت ابن فرات وزیر دستگاه بنی عباسی انجام دادند به صورت تقریباً یکپارچه در آمد (klem, pp ۱۲۸-۱۴۳).

در این زمان است که در آثار نسبتاً متاخر علمای شیعه موارد بسیاری از لعن غلات توسط امامان در متون دیده می شود.

در این دوره ظاهراً جریانی میانه به وجود آمده بود که با استفاده از میراث مفوضه حد وسط این جریان و مقصره در اعتقاد به امام بود.

اما با این وجود آثاری وجود دارد که باز بیانگر ارتباط غلات با محافل امامان است.

آنچه که مشخص است ظاهراً امام محمد باقر (ع) اولین کسی است که به تبیین امامت با توجه به دو زیربنای نور و علم می پردازند. (لالانی، ص ۱۰-۱۰۳)

دو کتاب مهم مربوط به غلات وجود دارد که بسیار نزدیک به روایات شیعه در مورد فرضیه پیدایش جهان و جهان شناسی آنها است. اولی با نام «ام الکتاب»، کتاب اصلی حلقه خطاییه است. (Ivano, pp ۱-۱۳۵) همانگونه که دیگران اشاره کرده اند ظاهراً ابوالخطاب با اسماعیل فرزند امام ششم رابطه ای نزدیک داشته است. از این رو افکار این گروه را بنیان شکل دهنده جنبش اسماعیلی می دانند.

کتاب دیگر نیز کتاب «سایه ها» است که در نزد نصیری ها بوده و آنها آن را به مفضل بن عمر منسوب می کنند. (Halm, pp ۱۷۶-۶۶)

انتساب این دو کتاب در انتها به امامان باقر (ع) و صادق (ع) می رسد، هر چند که جریان حاکم بر تشیع انتساب این دو کتاب و نیز خطبه البیان را به امامان مردود می داند.

بهر حال در ام الکتاب و در رساله الجعفی، جابر بن یزید جعفی روایت کننده بسیاری از احادیثی است که او آنها را به امام باقر (ع) منسوب می دارد. (لالانی، ص ۱۴۹) این جابر با حلقه خطاییه ارتباط تنگاتنگی داشت. علاوه بر این «کشی» فهرستی از وکلای امامان آخر تنظیم کرده است که در میان آنها به نام های مفضل بن عمر جعفی و پسرش محمد و محمد بن بشیر، زیاد قندی، عمر بن الفرات، محمد بن سنان، علی بن حسکه، حسن بن موسی شریعی، از غلات برمی خوریم. (ماسینیون، ج ۳ و ۴، ص ۴۵۳) ظاهراً در دوران امامان هشتم و نهم (ع) لعن امامان بر غلات امری روشن و آشکار بوده است، چرا که دو تن از غالیان به نامهای بشار و محمد بن سنان در مقابل لعن امامان، نظریه مطرود و ملعون بودن شیطان به دلیل عشق پاک را مطرح کردند و بدین وسیله خود را عاشقان واقعی امامان معرفی کردند. نظریه آنها در مورد رانده شدن و ملعون بودن ابلیس بعدها توسط حسین بن منصور حلاج به صورت گسترده تری مطرح شد. (همان، ص ۴۴۹)

طرح این نظر نیز شاید خالی از وجه نباشد که با توجه به این که غلات به اقدامات نظامی علیه حکومت دست می زدند و از طرف حکومت تحت تعقیب بودند لعن آنها از طرف امامان می توانسته جنبه تقیه داشته باشد.

به نظر می رسد این غلات بودند که با نظریات خود جایگاه امامان را در میان پیروانشان محکم ساختند. چنان که در بحرانی که بعد از فوت امام هشتم (ع) و جانشینی محمد بن علی جواد (ع) روی داد

و بسیاری از شیعیان تنها به دلیل سیاه پوست بودن این امام (مدرسی طباطبایی، ص ۸۸؛ ابو جعفر کلینی، ج ۱، ص ۳۲۲؛ ابو عبدالله جنبلائی، ص ۹۲) از تشیع دست کشیدند، این محمد بن سنان بود که به دفاع از امامت پرداخت و بحث انتقال علم از امامی به امام دیگر را مطرح کرد.

علاوه بر این یکی از غلات به نام ابوالحسن احمد بن حسن ماذرائی ایرانی (۲۰۰-۲۸۰ق) که در حال مبارزه با نظام عباسی بود حکومتی کوتاه در ری تاسیس کرد. برای او از جانب امام غایب از طرف نواب خاص نامه‌هایی صادر شد. (اذکایی، ص ۴۴)

نتیجه‌گیری :

از آنچه که در گذشته آمد برمی‌آید که رابطه امامان شیعه (ع) و غلات به راحتی آنچه به نظر می‌رسد و تنها شامل لعن امامان بر آنها بوده، نیست، بلکه ماهیت آن بسیار پیچیده بوده و با وجود منابع محدود تاریخی کار بر روی آن دشوار است. اما با وجود این محدودیت نشانه‌های خوبی در منابع وجود دارد که با تحلیل آنها می‌توان به نتایج متفاوت با دیدگاه سطحی نگر که تنها به احادیثی که در آنها لعن غالیان آمده می‌پردازد، دست یافت.

بر این اساس جریان غالیان سهم بسیار بزرگی در پیشبرد تشیع از اواخر قرن اول هجری تا اواخر قرن سه هجری داشته است که حلقه خطابه مهمترین جریان آن است. تأثیر این جریان در شکل‌گیری برخی اندیشه‌های شیعی حتی تا عصر حاضر نیز باقی مانده است. در حالی که در طیف دیگر جریان تشیع یعنی جریان قم معمولاً این نظرات طرفدار چندانی نداشته است.

منابع و ماخذ :

- ۱- ابن البلخی، **فارسانامه**، به سعی و اهتمام و تصحیح گای لسترانج و رینولد الن نیکسود، کمبریج ۱۹۲۱. اوقاف گیب.
- ۲- ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی، **الکافی**، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۷
- ۳- ابو عبدالله حسین بن حمدان خصیبی جنبلایی، **الهدایة الکبری**، چاپ بیروت، ۱۹۸۶ میلادی
- ۴- ابوالقاسم بن محمد معروف به راغب اصفهانی، **المفردات فی غریب القرآن**، تهران، مکتبه المرتضویه، سال انتشار ؟
- ۵- اذکابی، پرویز، **حکیم رازی**، تهران، ۱۳۸۲، طرح نو.
- ۶- زرین کوب، عبدالحسین، **دو قرن سکوت**، تهران، ۱۳۷۸، انتشارات سخن.
- ۷- شبی، کامل مصطفی، **تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری**، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، ۱۳۸۰، امیرکبیر.
- ۸- صفری فروشانی، نعمت الله، **غالیان، کاوشی در جریان ها و برآیندها**، مشهد، ۱۳۷۸، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۹- طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الامم و الملوک**، تصحیح محمد یوسف دقاق، بیروت، ۱۴۰۷ق، دارالکتب علمیه.
- ۱۰- کریستینسن، آرتور، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، ویراستار حسن رضایی باغ بیدی، تهران، انتشارات صدای معاصر و ساحل چاپ دوم، ۱۳۸۰
- ۱۱- لالانی، ارزینا، **نخستین اندیشه های شیعی**، تعالیم امام باقر، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، ۱۳۸۱، نشر و پژوهش فرزاد روز.
- ۱۲- ماسینیون، لویی، **سخن انا الحق و عرفان حلاج** (جلد ۳ و ۴ مصائب حلاج)، ترجمه سید ضیاء الدین دهشیری، تهران، ۱۳۷۴، جامی.
- ۱۳- مدرسی طباطبایی، حسین، **مکتب در فرآیند تکامل**، ترجمه هاشم ایزدپناه، نیوجرسی، ۱۳۷۴، داروین.
- ۱۴- مشکور، محمد جواد، **تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم**، تهران، ۱۳۸۵، انتشارات اشراقی.
- ۱۵- هالم، هاینس، **تشیع**، ترجمه محمد تقی اکبری، قم، ۱۳۸۴، نشر ادیان.
- 16- Halm, Heinz, "Das Buch der Schatten. Die mufaddal Tradition der Gulat und die Ursprunge des Nusairierts," Der Islam, vol. 55, 1978, pp. 219-66 und vol. 58, 1981, pp. 15-86.
- 17- Halm, Heinz, Die islamische Gnosis. Die extreme schia und die Alawiten, Zurich-Munich, 1682.
- 18- Ivanow, wladimir, Ummul-kitab, Der Islam, 23 (1936), pp. 1-135.
- 19- Klemm, vervna, "Die vier sufara des Zwolften Imams. Zur formative period des Zwolferschia", Diewelt des Orients, 15, 1984, pp. 126-143.
- 20- Tucker, W. F, Abd Allah ibn Muawiya and the janahiyya : rebels and ideologues of the late Umayyad period, studia Islamica, 51(1980), pp. 39-56.

21- Tucker, W. F, Bayan b.sam an and the Bayaniyya : Shi'ite Extremists of Umayyad Iraq, (1975), pp. 241-253.

22- Tucker, W. F. , Rebels and Gnostics : al- Mugaria ibn Said and the Mugiriyya, Arabica, 22 (1975), pp. 33-47.

RICEST